

مقایسه تطبیقی مبانی توسعه (اقتصادی) در دولت یازدهم و

نسبت آن با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

سعید محمدی *

مجید بذرافکن **

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۰۷

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

چکیده

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگتر شدن است. به‌طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به‌همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را دربردارد، شامل دگرگونیهای اساسی در ساختهای نهادی، اجتماعی - اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. مفهوم توسعه تاریخ تحولات متفاوتی را در جوامع گوناگون داشته است؛ اما عمده نظریات کاربردی توسعه محصول پس از جنگ جهانی دوم است و بسیاری از تجویزها در این دوره به‌عنوان رویکرد توسعه در کشورهای مختلف به‌عنوان مسیر و برنامه توسعه برگزیده شد. ایران معاصر هم از تحولات نظری و کاربردی مفاهیم توسعه به‌دور نبوده است و در دوره‌های مختلف تاریخی، همچون دوره پیش از انقلاب و پس از آن کم و بیش از تحولات جهانی مفهوم توسعه تأثیر پذیرفته است. پس از انقلاب نیز دولت‌های مختلف هر کدام بنا به مشی سیاسی خود، رویکردهای متفاوتی را در حوزه توسعه دنبال کردند. در کنار الگوهای توسعه غیر بومی، در طول دهه اخیر، الگوهای توسعه بومی (الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی) به‌عنوان جایگزین توسعه نیز شکل گرفته‌اند که در صورت تنویر شدن و انسجام نظری می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل در این حوزه باشد. هدف اصلی پژوهش این است که ابتدا ضمن بررسی مبانی نظری دولت یازدهم و سیاست‌های آن در موضوعات مختلف، ارتباط و نسبت این سیاست‌ها و مبانی را با الگوهای توسعه بومی در چارچوب شاخصهای مختلف ارزیابی کنیم. روش پژوهش پیش‌رو، نیز توصیفی - تحلیلی در چارچوب الگوی مداخله اسنادی و کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که گفتمان توسعه در دولت یازدهم در طیفی از عدم نسبت تا نسبت نزدیک و نسبی در ارتباط با الگوی اسلامی - ایرانی قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: دولت یازدهم، مبانی توسعه، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اقتصاد مقاومتی،

اقتصاد برون‌گرا

مقدمه

برای واژه توسعه در سطوح مختلف تعاریف گوناگونی ارائه شده است. توسعه در اصطلاح در واقع تغییر هدفدار برای حصول به هدفی خاص است. توسعه در واقع جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی، باورهای عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابریها و ریشه کردن فقر مطلق است؛ به عبارت دیگر توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی تر است. آنچه در توسعه مدنظر قرار می گیرد، حرکت سامانه یکدست اجتماعی به سمت جلو و به عبارت دیگر نه تنها روش تولید، توزیع محصولات و حجم تولید مدنظر است، بلکه تغییرات در سطح زندگی، نهادهای جامعه و سیاستها نیز مورد توجه است. توسعه روندی خلاق و نوآور در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سامانه اجتماعی است. توسعه، عواملی دارد که مهمترین آنها رشد علمی، فرهنگی و سیاسی از راه ریشه کنی جهل و بیسوادی، فقرزدایی و تولد ثروت، پیشرفت صنعتی و ابزار تولید، زدودن نابرابریها و برقراری عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه، کار و کوشش موگد و مفید، همکاری و تعاون و مشارکت عمومی و مانند آن است.

دوم اینکه توسعه دارای ابعاد گوناگونی است که می توان آنها را در چهار دسته کلی تقسیم بندی کرد: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی. سوم اینکه در غرب، توسعه اقتصادی، محور و شاخص توسعه یافتگی به شمار می آید؛ چرا که از نظر اقتصاددانان غربی، تأمین رفاه زندگی و برآوردن نیازهای مادی بشر هدف اساسی توسعه است.

مفهوم توسعه متناسب با ساختار فرهنگی جوامع مختلف، معنای متفاوتی به خود می گیرد. توسعه، مفهومی کلیدی در علوم اجتماعی است که موضوعات گوناگونی را در اندیشه و رفتار جوامع در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دربرمی گیرد. واژه های دیگری همچون، ترقی، مدرنیته، نوسازی، هم به مفهوم توسعه گره خورده، و همپوشانی این مفاهیم به یکدیگر، تشخیص و تمیز آنها را از جهات مختلف به یکدیگر با سختی روبه رو کرده است. توسعه اصطلاحی است که از نوسازی، دقیقتر و مشخص تر و از رشد، جامعتر است. توسعه برخلاف نوسازی، که حد و غایتی ندارد، اهداف مشخصی را در مدت معینی دنبال می کند و برخلاف رشد، که اهداف کمی را مدنظر دارد، اهداف کیفی را نیز برمی آورد. بنابراین مطابق با نظریات مختلف،

توسعه به یک معنا پیگیری اهداف کمی و کیفی به طور همزمان است (شیرزادی، ۱۳۹۱: ۱۸). دوره بعد از جنگ جهانی دوم در واقع دوره استعمارزدایی و فروپاشی امپراتوریها نیز بود که در نتیجه آن، کشورهای تازه به استقلال دست یافته زیادی در نقشه جهان پدیدار شدند که همه آنها به رشد و توسعه سرزمینشان امیدوار بودند. این کشورها، که به کشورهای جهان سوم معروف شدند به پیروی از الگوی توسعه غرب متمایل بودند. آنها فناوری غربی را به کشورهای خود وارد کردند. در این بین عوامل بسیاری از جمله زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و همچنین زیرساختهای تخصصی مورد نیاز این نوآوریها در نظر گرفته نشد که در کشورهای جهان سوم اصلاً وجود نداشت یا بسیار نامناسب بود. در نتیجه بسیاری از طرحهای توسعه در این کشورها به شکست انجامید. پس از جنگ جهانی دوم نظریات کلان و پارادایمهای عمده همچون نوسازی، وابستگی، نظریه نظام جهانی شکل یافت. کشورهای در حال توسعه هر کدام به دنبال رویکرد سیاسی حاکم بر خود، یکی از روشهای رایج توسعه را برگزیدند و برنامه‌های حوزه‌های مختلف بویژه حوزه اقتصادی را متناسب با آن تنظیم کردند. در ایران معاصر نیز این روند همچون بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده است. اولین الگوهای توسعه در ایران به صورت نوین را می‌توان در قالب حکومت پهلوی تبیین کرد. الگوهای توسعه مکتب نوسازی در این دوره در ایران تجربه شد و نتایج متفاوتی به جای گذاشت.

پس از انقلاب نیز رویکردهای متفاوت به وسیله دولتهای مختلف دنبال شد و هر کدام از دولتها تلاش کردند تا رویکرد متناسب با مشی سیاسی خویش را در حوزه توسعه دنبال کنند؛ به تعبیری پس از انقلاب سه فرضیه اساسی در حوزه توسعه وجود داشته است: ۱. روند توسعه پس از انقلاب ادامه همان روند توسعه دوره پهلوی بوده است. ۲. هر دولتی رویکرد خاص خود را در حوزه توسعه دنبال کرده است. ۳. الگوهای توسعه بومی همچون اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شکل گرفته است. متناسب با عملکرد دولتهای پس از انقلاب، فرضیه دوم را می‌توان به واقعیتهای موجود نزدیکتر دانست. به طور کلی سه نوع رویکرد کلی در حوزه توسعه اقتصادی در دوران پس از انقلاب حاکم بوده است: الف: اقتصاد دولتی دهه ۶۰ ب: رویکردهای تعدیل ساختار دولتهای کارگزاران و سازندگی ج: رویکرد عدالت محور دولت احمدی نژاد. ساختار توسعه دولت یازدهم را باید ادامه ناقص خط مشی کارگزاران دانست که علاوه بر وجود بعضی از شخصیتهای مهم آن دوره در دولت یازدهم در حوزه خط مشی نیز تلاش شده است تا برونگرایی را بر ساختار

اقتصادی ایران حاکم کند. چگونگی کم و کیف این موضوع و سیاست دولت یازدهم در حوزه‌های مختلف نیز در پژوهش ذیل مورد تبیین قرار گرفته است؛ اما در کنار همه این مسائل، محور مهم این پژوهش بررسی رابطه و نسبت سیاست حاکم بر دولت یازدهم و الگوهای توسعه بومی همچون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی است که می‌تواند در جهت تفاوتها و اشتراکات هر دو رویکرد مساعدت مناسبی به عمل آورد و با تقویت نقاط مشترک هر دو، بدیل مطلوبی برای عملکرد اقتصادی دولتهای آینده در ایران باشد.

نمونه چین و الگوی توسعه جدید این کشور، می‌تواند طرحواره‌اری مناسب از آنچه به‌عنوان نظریه اقتصاد برونزا از آن یاد می‌کنیم به دست دهد و در ادامه بتواند چشم‌اندازی مناسب از سیاست اقتصادی دولت یازدهم را در بخشهای مختلف به دست دهد.



مطابق با این رویکرد می‌توان ابتدا مبانی توسعه دولت یازدهم را بیان کرد و سپس به مقایسه آن با الگوهای بومی پرداخت.

مبانی نظری دولت یازدهم

دولت یازدهم در طول دوره چهار ساله (۹۶ - ۹۲) اقدامات مختلفی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت داد. در کنار این اقدامات، دولت یازدهم در این بازه زمانی، مجموعه‌ای از نظریات و رویکردهای آن از سوی محافل مختلف نزدیک دولت، بیانگر بعد نظری دولت در ارتباط با مفهوم توسعه بویژه توسعه اقتصادی است.

دکتر حسن روحانی به‌عنوان رئیس دولت یازدهم، چند سال پیش از ریاست جمهوری در کتابی تحت عنوان امنیت ملی و نظام اقتصادی در ایران، دیدگاه‌های خود را مستقیم و غیرمستقیم در مورد توسعه اقتصادی تدوین کرده است. آن چنانکه از جملات روحانی در این کتاب برداشت می‌شود به‌طور کلی سه نگاه در میان مسئولان وقت جمهوری اسلامی درباره راهبرد توسعه ملی وجود داشت: الف: حفظ‌محوری با محوریت حفظ نظام جمهوری اسلامی و ارکان آن ب: رشد‌محوری یا توسعه‌گرایی و برگزیدن الگوی توسعه تعاملگرا و تنش‌زدایی با غرب ج: بسط‌محوری یا گسترش پیام انقلاب در سراسر جهان. منازعه میان این دیدگاه‌ها ادامه می‌یابد تا در دهه ۸۰ شمسی به تعبیر روحانی، مجمع تشخیص که ریاستش با هاشمی و قائم مقامی آن با روحانی بود، رویکرد توسعه‌گرایی را به‌عنوان راهبرد ملی برمی‌گزیند. همان‌طور که بیان شد در منظومه‌گفتمانی اعتدال، توسعه به‌عنوان غایت اصلی معرفی، و این توسعه بیشتر در حوزه اقتصادی تعریف می‌شود. زیربنای دستیابی به توسعه در این گفتمان چیزی است که اصطلاحاً بین‌المللی شدن می‌نامند. آنچه وجه ممیز توسعه‌گرایی مورد نظر جریان اعتدالی است، نگاه به بیرون و تعاملگرایانه آن است. آن گونه که به نظر دکتر روحانی در دنیای امروز، قدرت ملی بدون رابطه با جهان و هم‌چنین توسعه و پیشرفت داخلی بدون تعامل اقتصادی با جهان، نه تنها بسیار دشوار، بلکه حتی ناممکن است. به تعبیر او در دنیای امروز نمی‌توانیم اقتصادی داشته باشیم که با دنیای بیرون در ارتباط نباشد. روحانی در جای دیگری هم می‌گوید اگر کسی فکر کند که بدون رابطه با جهان، کشور می‌تواند به توسعه برسد، حتما اشتباه می‌کند و اینکه بعضی‌ها فکر می‌کنند که کشوری بدون ارتباط با بیرون به رشد و توسعه برسد، حتما اشتباه می‌کنند.

روحانی در کتاب امنیت ملی و نظام اقتصادی به تشریح دیدگاه‌های خود در مورد توسعه، بویژه

توسعه اقتصادی می‌پردازد.



رسم توضیحی (دیدگاه دکتر روحانی در زمینه توسعه اقتصادی)

دولت یازدهم با دال مفهومی "اعتدال و توسعه" به‌عنوان مبنای اصلی رویکرد خویش در همه حوزه‌ها (اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) کار خود را آغاز کرد؛ اما آنچه بیش از همه در دستور کار این دولت قرار گرفت، شرایط و تحولات موجود در زمینه اقتصادی بود. به تعبیری، توسعه اقتصادی به‌عنوان مهمترین دغدغه دولت، جنبه ماتقدم و پیشینی نسبت به دیگر حوزه‌ها داشت. طبعاً هر دولتی پیش از اجرای برنامه‌های خود در زمینه رشد و توسعه اقتصادی از مجموعه‌ای نظری به‌منظور چگونگی طراحی و به‌پیش‌بردن برنامه‌های خود برخوردار است. گروه اقتصادی دولت یازدهم هم کم و بیش دارای خط فکری مشخص و از پیش تعیین شده در طول دوره چهار ساله تلاش کرد، مسیر مورد نظر خود را به پیش برد. سابقه نظری و اجرایی این مجموعه در طول سالهای پیش از دولت یازدهم و پس از آن، نشان از رویکرد متمایز و مشخص این گروه در زمینه توسعه است. دکتر روحانی پیش از آغاز دوره مسئولیت خود در مرکز بررسیهای راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام حضور داشت. بیشتر گروه اقتصادی او هم در دوره حضور روحانی و یا پیش از آن در مرکز بررسیها بوده‌اند. اسحاق جهانگیری، محمدباقر نوبخت، نهاوندیان، محمود سریع‌القلم، اکبر ترکان، مهندس ملایری، مسعود نیلی از همکاران نزدیک رئیس‌جمهور در

آن دوره و هم‌چنین در زمان دوره چهار ساله دولت یازدهم بوده‌اند. بعضی از افراد نامبرد همچون اسحاق جهانگیری بیشتر سابقه اجرایی، و در دولت کارگزاران هم حضور داشته‌اند؛ اما بعضی دیگر از این افراد همانند محمود سریع‌القلم و مسعود نیلی از شخصیت‌های نظری بیشتری برخوردارند؛ بدین ترتیب در اینجا برای تکمیل رویکرد نظری بحث به دیدگاه‌های بعضی از این افراد اشاره می‌شود. سریع‌القلم و مسعود نیلی از مشاوران نزدیک رئیس‌جمهور در حوزه توسعه و اقتصاد در طول دوره چهار ساله دولت یازدهم بوده‌اند. نوشته‌ها و آثاری در این زمینه از این افراد وجود دارد که برای روشن شدن دیدگاه نظری، مساعدت‌آفرین خواهد بود.

دیدگاه نویسندگان نزدیک به دولت یازدهم

دکتر مسعود نیلی

دکتر مسعود نیلی به‌عنوان مشاور ویژه رئیس‌جمهور در امور اقتصادی در کتابها و مقالات خویش به بررسی مفاهیم توسعه، اقتصاد، جایگاه دولت، بازار، بخش خصوصی، رقابت و سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته است.

نیلی در ابتدای تحلیل خود از فرایند توسعه اقتصادی اشاره می‌کند که براساس مطالعات تجربی و نظری، رشد اقتصادی براساس مجموعه‌ای از ساز و کارها اتفاق می‌افتد. او معتقد است در این فرایند، دولت تنها می‌تواند به‌عنوان عاملی آسان‌کننده دخالت کند و قسمت عمده‌ای از این فرایند را بخش خصوصی با مشارکت مردم باید به پیش ببرد. در رویکرد نیلی چنانچه زمینه لازم برای مشارکت بخش خصوصی فراهم نشود، نمی‌توان انتظار رشد اقتصادی پایدار را داشت. به عقیده او با حفظ ساختارهای موجود و نبود سازوکارهای منطقی، تحقق اهداف توسعه اقتصادی امکانپذیر نیست. شناخت چگونگی اصلاحات ساختاری و سیاستهای مورد نیاز، ضرورت بررسی تحولات بین‌المللی و چشم‌انداز اقتصاد جهانی و هم‌چنین شناخت اصول و قواعد جدید رشد اقتصادی را ایجاب می‌کند (نیلی، ۱۳۸۴: ۳۰).

مطابق با دیدگاه نیلی در برخی از محیط‌های سیاستگذاری اقتصادی، ایجاد ساز و کارهای انگیزشی خارجی - در قالب تعهدات بین‌المللی - میزان آزادی عمل سیاستگذار داخلی در ارتکاب اشتباه و سیاستهای ضعیف را کاهش می‌دهد. به نظر نیلی وضعیت کشورهای اروپای شرقی در پابندی به لوازم عضویت در اتحادیه اروپا، مصداق روشنی از کارکرد لنگرهای خارجی در بهبود

نهادهای داخلی است. نیلی با استناد به گزارش بانک اروپایی ترمیم و توسعه در سال ۲۰۰۲ نشان می‌دهد کشورهای در حال گذار اروپایی، نامزد پیوستن به اتحادیه اروپا طی دهه ۱۹۹۰ به‌طور محسوسی در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی در حال گذار بهتر عمل کرده‌اند. نیلی در چارچوب تحلیل خود در این راستا اشاره می‌کند که محدودیتهای خارجی، توافقات بین‌المللی، معاهدات فراملی و قراردادهای بین‌کشوری، حوزه و محدوده خطا در سیاستگذاری را کاهش می‌دهد. هم‌چنین الزامات مربوط به عضویت در پیمان‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی و نیز حضور در سازمان تجارت جهانی، رفرمهای سیاستی را تسریع کرده و امکان برتری بر تراحم منافع در داخل کشور را کاهش می‌دهد. بازدیدهای ادواری صندوق بین‌المللی پول، کشورهای عضو را به شفافیت نسبی در سیاستها و ارائه اطلاعات در چارچوبی تعریف شده در مورد عملکرد اقتصاد کلان ملزم می‌کند (نیلی، ۱۳۸۷: ۸۶-۸۵).

مشاور ویژه اقتصادی دولت یازدهم معتقد است که تحولات اقتصاد جهانی در سالهای اخیر، فضایی را که دولت فعالیت می‌کند، تغییر داده و یکپارچگی اقتصاد کشورهای جهان و گسترش دموکراسی زمینه اقدامات اختیاری دولتها را محدود کرده است. مقررات مالیاتی، سرمایه‌گذاری و سیاستگذاری اقتصادی هر کشور باید با شاخصهای اقتصاد جهانی هماهنگ باشد. به نظر نیلی در این میان تحولات عرصه فناوری فرصتهای جدیدی را برای عرضه خدمات دولتی ایجاد کرده و نقش بازار را هم گسترش داده است.

هم‌چنین فعالیت بخش بازار از فعالیتهای دولتی و سیاسی پویاتر است. در ساز و کار بازار، مجموعه‌ای که نتواند مؤثر عمل کند از چرخه فعالیت اقتصادی خارج می‌شود. در بخش خصوصی از نظر نیلی اثر هر گونه تغییر در سودهای آینده قابل مشاهده است. این امر می‌تواند در بهبود کارایی تولیدات بخش خصوصی بسیار مؤثر باشد. در مقابل طرحهای دولتی به‌طور معمول از طریق میزان هزینه‌ها ارزیابی، و عملکرد آن با قوانین اجرایی محاسبه می‌شود. در این وضعیت سیاستگذاری دولتی، سامانه کارآمدی در جهت افزایش کارایی ندارد. مهمترین دلیل آن نیز در واقع این است که بسیاری از فعالیتهای بخش دولتی (برخلاف فعالیتهای بخش خصوصی) در قالب مقیاس و اندازه قابل تعریف نیست (نیلی، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

با این تفاسیر، نیلی، نقش مسلط دولت در نظام اقتصادی و کمرنگ‌شدن ساز و کار بازار در تخصیص منابع را یکی از دلایل مهم روند نامناسب رشد در اقتصاد ایران می‌داند. حضور دولت در

امور اقتصادی به منظور برقراری توازن در امور معیشتی مردم در شرایط جنگ و بحران در بستر اصل ۴۴ قانون اساسی باعث شد که نقش دولت در اقتصاد به قیمت کاهش کارایی در تخصیص منابع، گسترده شود و مجموعه اقتصادی تحت تصدی دولت افزایش یابد؛ لذا بخشهای تولیدی و تجاری اقتصاد بدون نیاز به توسعه بخش خصوصی کارآفرین و بدون توجه به فرایند توسعه صنعتی صادراتگرا و رقابتی گسترش یافت و از اقتصادی با ویژگیهای توانمند در رقابت پویا و انعطاف پذیر بسیار دور شد؛ بدین ترتیب نیلی در نتیجه گیری خود از این بحث اشاره می کند که در بررسی روند تاریخی حضور دولت و تأثیر آن بر عملکرد اقتصاد از سالهای ۱۳۳۸ به بعد این رویکرد را تصدیق می کند که اگر چه حضور دولت در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتناب ناپذیر است، گسترش فعالیت دولت، رشد اقتصادی را کاهش می دهد (نیلی، ۱۳۸۷: ۲۷۴).

در قالب شکل ذیل می توان مهمترین شاخصهای مورد نظر نیلی را در زمینه توسعه اقتصادی

تجسم کرد:



رسم توضیحی، دیدگاه مسعود نیلی در مورد توسعه اقتصادی

دیدگاه محمود سریع القلم

سریع القلم هم یکی از همکاران نزدیک رئیس جمهور در سالهای حضور در مرکز بررسیهای راهبردی و پس از آن در دولت یازدهم به عنوان یکی از مشاوران ویژه روحانی در زمینه توسعه بود. وی بیشتر دارای شخصیتی علمی و نظری است که بحثهای مختلفی را در این زمینه در قالبهای گوناگون منتشر کرده است. وی تحلیل خود را با تمرکز بر میزان ارتباطات، تعاملات و سیاست خارجی برنوا در میان کشورهای مختلف جهان می گذارد. در همین رابطه اشاره می کند که یکی از مهمترین مشکلات ایران در زمینه مورد بحث، نداشتن روابط پایدار با کشورهای خارجی است. به نظر او تا زمانی که ما نتوانیم روابط پایداری با دیگران برقرار سازیم، کشورهای دیگر نمی توانند روی ما حسابی باز کنند. همین مسئله ما را از بسیاری از مزایای توسعه و سرمایه گذاری اقتصادی خارجی دور می سازد. مطابق با دیدگاه سریع القلم، مشکل عمده اقتصاد ایران، دولتی بودن، انفعالی بودن و غیر رقابتی آن است. عمده منابع اقتصادی کشور تحت تصدی یا کنترل مستقیم یا غیرمستقیم دولت است و این تصدی گری و کنترل دولت موجبات ایجاد فساد و رانتهای گسترده را به وجود آورده است. سریع القلم معتقد است که ساختار قانون اساسی و سیاسی به گونه ای است که اجازه سرمایه گذاری خارجی و دخالت گسترده بخش خصوصی را در مسائل اقتصادی نمی دهد؛ دلیل آن هم حساسیت نسبت به نفوذ و دخالت احتمالی سرمایه گذاران و قدرتهای خارجی در روند تصمیم گیری داخلی است که با اصول محرز قانون اساسی در تضاد قرار دارد (سریع القلم، ۱۳۸۴: ۲۳۸).

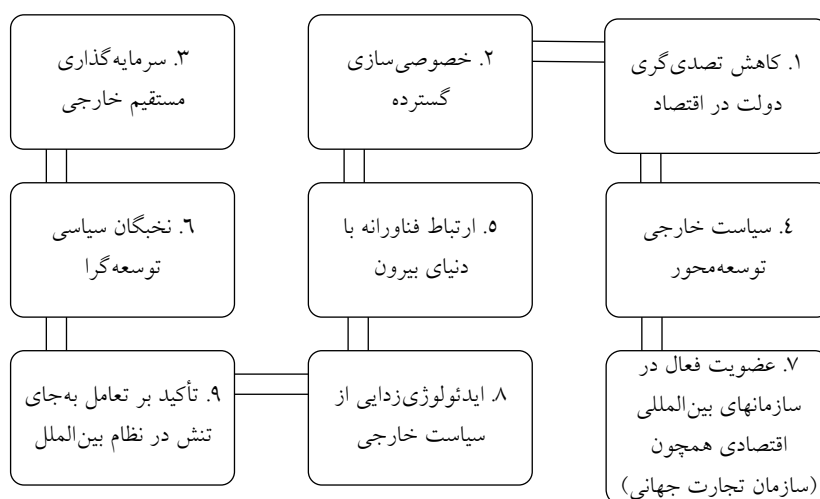
سریع القلم در ادامه بررسی خود در زمینه توسعه اقتصادی معتقد است که در فرایندهای جهانی شدن، اصل بر اقتصاد است و تمامی تصمیم گیریها حول مسائل اقتصادی متمرکز است. اگر کشور میان پایه و درحال توسعه ای تصمیم گرفت در این فرایند وارد شود، باید به دنبال استقلال اقتصادی نباشد؛ بلکه اقتصاد خود را در معرض تار و پود اقتصاد جهانی بویژه غرب قرار دهد؛ به علاوه که نزدیک به ۷۰ درصد اقتصاد جهانی و سرمایه گذاری خارجی در میان کشورهای صنعتی است. مشاور رئیس جمهور در دولت یازدهم معتقد است که فرایند رشد و توسعه و رقابت اقتصادی بدون همکاری با قدرتهای بزرگ اقتصاد جهانی امکان پذیر نیست. سرمایه، فناوری، نوآوریهای مدیریت کالاهای راهبردی، کیفیت تولید، کارآمدی حمل و نقل و انتقال فناوری عموماً نزد قدرتهای بزرگ اقتصادی است. هر اندازه با قدرتهای بزرگ مشکل سیاسی و امنیتی وجود داشته

باشد، روابط اقتصادی نیز تحت الشعاع قرار می‌گیرد و بهره‌برداری محدود خواهد بود. سریع‌القلم معتقد است که دولت در ایران بر جریانهای اجتماعی، طبقات و اصناف مقدم است و نمی‌تواند با بخشهایی از جامعه برای مدیریت کشور سهم باشد. موفقیت مالزی، سنگاپور، کره جنوبی، تایوان و به‌طور ویژه‌ای در چین به‌دلیل مشارکت دولت با بخش خصوصی است. حضور در فرایند اقتصاد جهانی نیازمند نخبگان سیاسی برون‌گرا است. پذیرفتن جهانی شدن در واقع به معنی نگاه بین‌المللی به مسائل داخلی است.

سریع‌القلم معتقد است که چوئن لای رهبر چین جدید، قبل از رسیدن به قدرت، تجربه وسیعی از جهان پیدا کرد و مشاهدات جهانی او قابل ملاحظه بود. رفتار، عملکرد، جهتگیری و رویکرد چوئن لای در تغییر دادن چین به عصر جدید و مائوزدایی فکری - سیاسی شاید پیچیده‌ترین و هنرمندانه‌ترین کار سیاسی در قرن بیستم باشد. وی می‌گوید در ایران طیف عظیمی از کسانی که مدیریت اقتصادی، بانکی، تجاری، صنعتی، اداری، سیاسی و فرهنگی کشور را بر عهده دارند، تنها پس از انقلاب و به‌طور عمده در سالهای پس از جنگ فرصت مشاهده جهان را پیدا کردند و در نتیجه تجربه آنها از فرایند و ساز و کارهای جهانی شدن در سالهای بعد، که بسیار پیچیده شده بود، بسیار اندک بود (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۲۴۱).

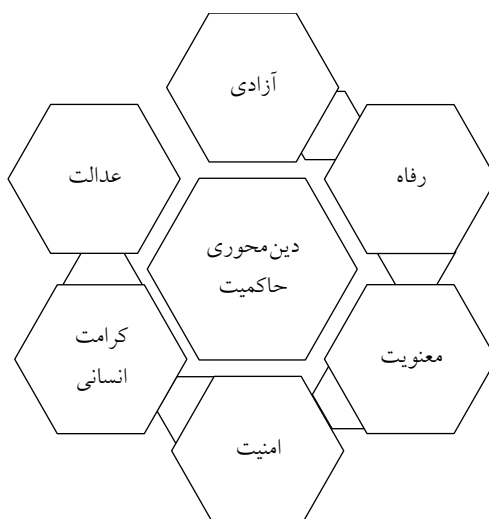
محمود سریع‌القلم معتقد است که جمهوری اسلامی می‌خواهد خصوصی سازی اقتصادی انجام دهد که این عمل به تعامل و هماهنگی با بانکهای خصوصی و شرکتهای چند ملیتی و سرمایه و فناوری آنها نیاز دارد و در عین حال می‌خواهد با سیاست خارجی دولتهایی تعارض داشته باشد که این شرکتهای آنها برخاسته‌اند؛ به عبارت دیگر هم می‌خواهد از امکانات جهانی بهره‌برداری کند و هم سیاست خارجی ایدئولوژیک داشته باشد. هم‌چنین جمهوری اسلامی می‌خواهد هم عضو گات و سازمان تجارت جهانی شود که اصول روابط اقتصادی را در سطح جهان تنظیم می‌کنند و تحت الشعاع منافع غرب و بویژه هفت کشور صنعتی هستند و در عین حال از جهت سیاسی و فلسفی با این کشورها در تعارض قرار دارد. بنا به نظر مشاور رئیس‌جمهور در دولت یازدهم جمهوری اسلامی تلاش می‌کند میان عملکرد بیرونی و داخلی خود تفاوت قائل شود که این امر از جهت منطقی امکان‌پذیر نیست. او می‌گوید رشد و توسعه اقتصادی، اولویت اول سیاستگذاری در ایران نبوده و مقولات سیاسی و امنیتی از اهمیت بیشتری در این راستا برخوردار است (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۲۴۳ - ۲۴۲).

مطابق با چارچوب فکری سریع القلم، جمهوری اسلامی ایران در صورت کاهش مسائل و مشکلات سیاسی و امنیتی خود با دنیای غرب می‌تواند با الحاق به سازمانهای بزرگ اقتصادی جهان همچون سازمان تجارت جهانی، موانع تجارت خارجی ایران را کاهش دهد. هم‌چنین عضویت در این سازمان، فضای رقابتی اقتصاد کشور را افزایش خواهد داد؛ موجبات رشد خصوصی‌سازی، اصلاح نظام مالیاتی، حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آنها به تعرفه‌های گمرکی و همین‌طور راه‌اندازی شبکه جامع اطلاع‌رسانی بازرگانی داخلی و خارجی خواهد شد. عامل اساسی و بسیار تعیین‌کننده در فرایند رشد و توسعه اقتصادی این است که هر اندازه اقتصاد کشور از اقتصاد بین‌الملل فاصله داشته باشد به همان میزان رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت. سریع‌القلم اشاره می‌کند که توسعه اقتصادی قواعد و اصول ثابتی در سطح جهانی دارد که عبارت است از: الف: سرمایه‌گذاری خارجی ب: ارتباطات فناورانه با دنیای خارج ج: خصوصی‌سازی اقتصاد د: افزایش توانمندیها در صحنه رقابتهای بین‌المللی ل: سیاست خارجی توسعه‌گرا. به تعبیر او عدم تحرک در اقتصاد ایران در خاستگاه‌های سیاسی و سیاست خارجی در مراکز قدرت ریشه دارد. مطابق با تفسیر سریع‌القلم سیاست خارجی کشور در وهله اول باید در خدمت رشد و توسعه اقتصادی باشد و این اولویتهای اقتصادی در سطح داخلی را با تعاملات اقتصاد جهانی به پیش برد (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۲۴۲-۲۴۳).

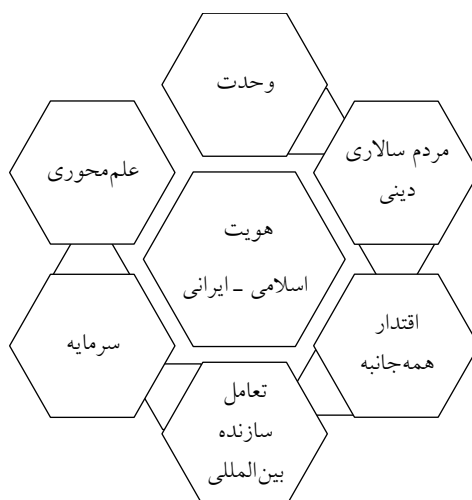


بررسی نسبت مبانی توسعه دولت یازدهم و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

ایضاح مفهومی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در گرو تعیین معنا و مفهوم سه واژه کلیدی است. در گام نخست باید مشخص شود که مراد از الگو چیست و سپس روشن شود که اسلامی بودن آن به چه معناست و در پایان مقصود از ایرانی بودن الگو بیان شود. الگو به معنای روند بر حرکت جمعی در مسیر پیشرفت به طور انعطاف پذیر و توأم با تجربه، آزمون و یادگیری تأکید می کند. الگوی پیشرفت اسلامی در واقع کلان نظریه پیشرفت و کلان طرح اجتماعی به منظور خروج از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب است. این الگوی پیشرفت در دل خود عناصر لازم مهندسی بزرگ تحول اجتماعی را دارا است. واژه اسلامی در این ترکیب حکایت گر این ضرورت است که نظریه پیشرفت مورد نظر باید بر مبانی اسلامی و نظام ارزشی و آموزه های آن همخوان و مبتنی باشد. واژه ایرانی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به دو مضمون اشاره می کند، نخست اینکه در صورت استحصال و تدوین این الگو می توان گفت که فکر و ابتکار ایرانی این الگو را پدید آورده است. مفهوم دوم: واژه ایرانی به این اشاره می کند که این الگوی پیشرفت با توجه به واقعیات و ظرفیتهای بالفعل و بالقوه سرزمین و ملت ایران تدوین یافته است. بنابراین، همان طور که رهبر انقلاب بیان می کنند، پیشرفت در کشور ما با شرایط تاریخی، جغرافیایی، اوضاع سرزمینی، وضع آداب، فرهنگ و میراث ما الگوی ویژه خود را دارد. باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. ما باید به دنبال الگوی بومی خودمان بگردیم. هنر ما این خواهد بود که بتوانیم الگوی بومی پیشرفت را متناسب با شرایط خودمان پیدا کنیم. با توجه به این توضیحات می توان گفت که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یک سند بالادستی است که نسبت به دیگر اسناد بالادستی نظام اسلامی نظیر سند چشم انداز، سیاستهای کلان در عرصه های مختلف برنامه های پنج ساله برتری دارد و نسبت به همه آنها سند بالادستی تلقی می شود. در صورت تدوین موفق آمیز و جامع این الگوی پیشرفت، نه تنها برنامه ریزیهای ناحیه ای و کوتاه مدت بلکه تغییر قوانین، آیین نامه ها و حتی تغییر و ترمیم احتمالی قانون اساسی باید با توجه به درونمایه این سند کلان و راهبردی صورت پذیرد.



رسم توضیحی (اصول پایه‌ای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت)



رسم توضیحی (عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت)

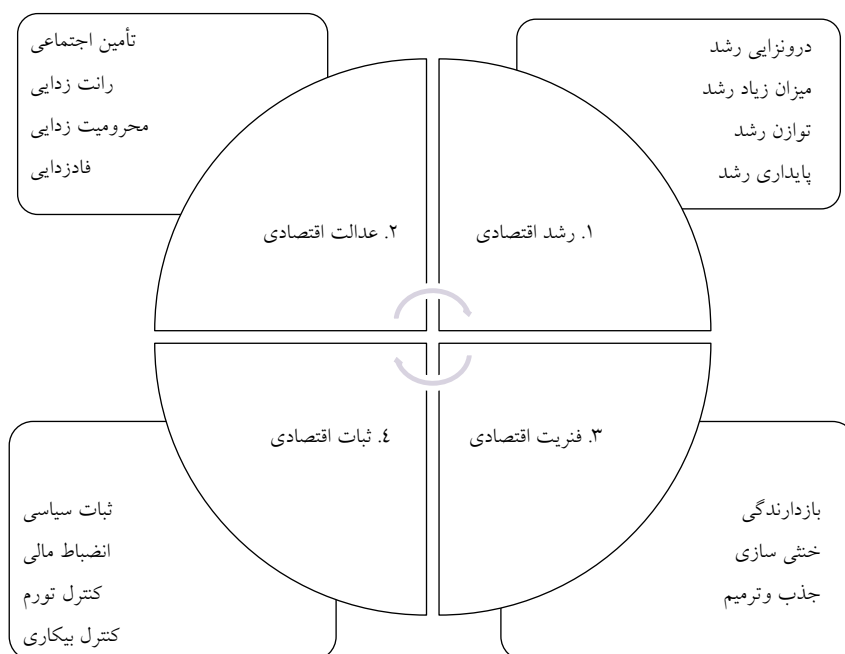
تبیین و تحلیل مفهوم اقتصاد مقاومتی

مفهوم اقتصاد مقاومتی برای اولین بار در سخنان مقام معظم رهبری و در رویارویی با تحریمهای گسترده قدرتهای بزرگ غربی، تدوین و پیشنهاد شد. رسانه‌های مختلف غربی، معانی متفاوتی از مفهوم اقتصاد مقاومتی تفسیر کردند. بر همین اساس برخی از رسانه‌های غربی آن را به "اقتصاد

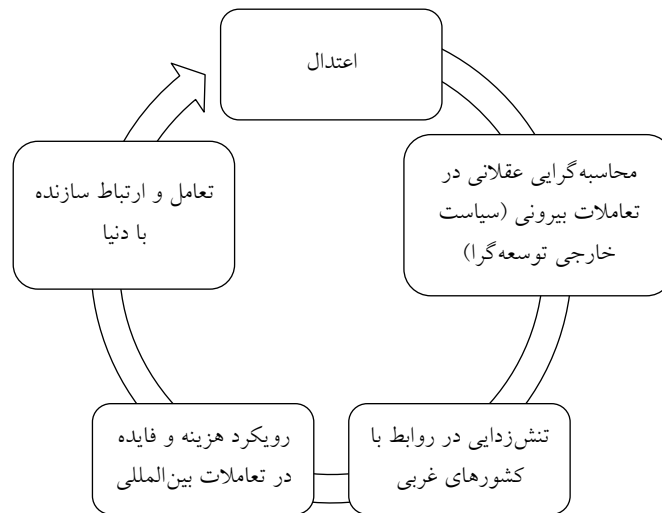
مقاومت" مطابق نوشته‌های آدام رز و بویژه برینگوگلیو، عده‌ای از آن با عنوان "تاب‌آوری اقتصادی" در رویارویی با ناملایمات گسترده اقتصادی تعبیر، و پاره‌ای نیز از مفهوم اقتصاد مقاومتی با "اقتصاد جنگ" یاد کردند؛ اما مفهوم اقتصاد مقاومتی با وجود شباهت در عبارات و شاخصها با این مفاهیم اقتصادی از جهت معانی و محتوا اختلاف و تفاوت دارد.

مفهوم اقتصاد مقاومتی در ابلاغیه‌ای که در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲، قوای سه‌گانه و مجمع تشخیص را مورد خطاب قرار می‌داد به این صورت بود: ایران اسلامی با وجود استعداد‌های سرشار مادی و معنوی و ذخایر و منابع غنی و گوناگون، هم‌چنین برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را، که با تحمیل جنگی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده است به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و ناملایمات ناشی از تحولات خارج از اختیار، همانند بحرانهای مالی، اقتصادی، سیاسی و... در آن رو به افزایش است با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درونزا و برونگرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهامبخش از نظام اقتصادی اسلام را تعیین بخشد (ابلاغیه بهمن ۱۳۹۲). این تعریف با تکیه بر سیاستهای ابلاغی رهبر معظم انقلاب، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. اصطلاح اقتصاد مقاومتی را نخستین بار مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ در دیدار با کارآفرینان تعریف کردند و دلایل آن را "فشار اقتصادی دشمنان" و "آمادگی کشور برای جهش" برشمردند. در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۲ نیز معظم‌له سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ و اشاره فرمودند که اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحرانهای رو به افزایش و خارج از اختیار جهانی مانند بحرانهای مالی، اقتصادی و سیاسی با تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درونزا و برونگرا، پویا و پیشرو را محقق، و الگویی الهامبخش از نظام اقتصادی اسلام را ارائه کند. آن چنانکه در مقدمه سیاستهای اقتصاد مقاومتی آمده است، این سیاستها رویکردی درونزا و برونزا توأمان و در تعامل با یکدیگر دارد. مطابق با نگاه اقتصاد مقاومتی، برونگرایی اقتصاد مقاومتی اقتضا می‌کند که اقتصاد کشور از ظرفیتهای و توان دیگر کشورها در زمینه‌های فناوری،

سرمایه‌گذاری خارجی و بازارهای صادراتی بهره‌بردار می‌کند. البته در این سیاستها پیش‌بینی شده که برونگرایی اقتصاد به درونگرایی مشروط و مقید شده است به این معنا که نوع، روش و حد و اندازه معاملات و مبادلات خارجی کشور باید با قوانین بالادستی کشور متناسب باشد (طهرانی‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۸). در موضوع اقتصاد مقاومتی، تعبیر گوناگون و متفاوتی در ادبیات اقتصادی رایج شده است. تعبیری که معنای اصطلاحی آن را به تعریف مقام معظم رهبری نزدیک می‌کند، مفهوم "فتریت اقتصادی" است. در ادبیات اقتصادی جهان، بریگاگلیو در سال ۲۰۰۶ از اصطلاحی به نام فتریت اقتصادی در جهت تبیین توان اقتصاد کشور برای بهبود و انطباق با آثار شوکهای بیرونی مخالف استفاده کرده است. بریگاگلیو اشاره می‌کند که اصطلاح فتریت اقتصادی در دو معنا و مفهوم متقابل به کار رفته است: اولاً توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوکهای اقتصادی تخریب‌کننده خارجی و دوم توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوکها. با توجه به این مطالب و براساس بیانات رهبر معظم انقلاب، الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران را باید به این صورت تبیین کرد:



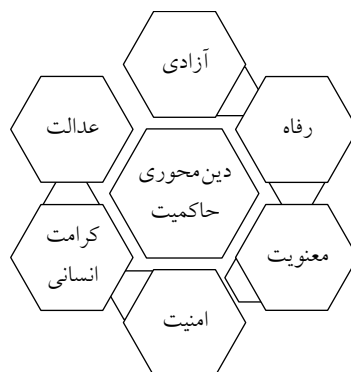
با توجه به این مطالب و تبیین مبانی توسعه دولت یازدهم و ابعاد مختلف آن با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اینجا می توان به صورت خلاصه، تناسبات و تفاوت های هر کدام از این رویکردها را در قالب شکل زیر تجسم کرد.



اصول این توسعه را در دولت یازدهم می توان به مبانی توسعه مکتب نوسازی نزدیک دانست. در غالب این موارد نوعی از محاسبه گرایی عقلایی و اصالت فایده مدنظر است که مبانی آن را بیشتر به الگوهای غیربومی نزدیک می کند.

هم چنین در اینجا به منظور تبیین مسئله، اصول پایه ای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز بیان

می شود.



رسم توضیحی (اصول پایه ای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت)

هر چند این اصول در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هنوز از جهات مختلف و انسجام نظری به تبیین نیاز دارد و در جزئیات موضوع، مسائل زیادی است که باید مورد توجه قرار گیرد در کلیات آن چنانکه آورده شد بر اصول و ساختار مشخصی مبتنی است و تعاریف مختص به خویش را از توسعه دارد و هر کدام از مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن ساختار موضوعی متمایزی دارد که در قالب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت قابل جمع است.

مهمترین تفاوت‌های هر دو رویکرد را می‌توان به این شکل بیان کرد:

۱. تعاریف متفاوت از عقلانیت و ساختار متشکل آن در هر دو رویکرد، نوعی عقلانیت ابزاری در الگوی توسعه دولت یازدهم حاکم است.
۲. برجسته‌بودن ویژگی عدالت‌خواهی، معنویت‌گرایی و دین‌محوری در توسعه در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت
۳. رویکرد و نگاه بیرونی بر الگوی توسعه دولت یازدهم حاکم است به طوری که حل بسیاری از مسائل و مشکلات اقتصادی را با ابزارهای بیرونی و با استفاده از تعاملات بین‌المللی بالاخص با کشورهای غربی قابل تحقق می‌داند؛ در مقابل، نوعی از خودکفایی و استقلال اقتصادی بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت حاکم است.
۴. مبانی توسعه دولت یازدهم غالباً مضمونی اقتصادی دارد و دیگر ابعاد توسعه در آن نقش کمتری دارد؛ در مقابل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نگاه جامع‌تری به مفهوم توسعه دارد.
۵. تأکید و اهتمام الگوهای بومی بر مؤلفه خودکفایی در حوزه کشاورزی در مقابل الگوی توسعه دولت یازدهم بیشتر به توسعه صادرات در حوزه‌های فناورانه و ابزاری نزدیک است.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله ابتدا تشریح مبانی توسعه در دولت یازدهم و سپس بررسی نسبت آن با الگوهای بومی توسعه همچون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی است؛ بدین منظور ابتدا مبانی نظری توسعه در دولت یازدهم مورد بحث قرار گرفت. در این پژوهش نظر و کتابهای دکتر روحانی و هم‌چنین آثار نویسندگان حوزه توسعه و نزدیک به دولت یازدهم همچون محمود سریع‌القلم و مسعود نیلی بررسی شد. پس از بحث تفصیلی در این مورد، پایه‌ها و مبانی الگوی

اسلامی - ایرانی و اقتصاد مقاومتی بیان، و در پایان نسبت هر دو رویکرد در قیاس با یکدیگر تبیین شد. آنچه به نظر مهم می‌آمد، بیان این مسئله است که هر چند از جهات نظری، رویکردهای دو الگو از یکدیگر فاصله دارد، دولت یازدهم در حوزه عملیاتی و در بخشهایی همچون کشاورزی و رشد صادرات غیرنفتی تا حدی موفق عمل کرده است. تفاوت‌های عملکردی دو رویکرد هم در بالا به صورت اجمالی مورد بحث واقع شد.

منابع

- امام خامنه‌ای سیدعلی، لوح فشرده حدیث ولایت، تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، ابلاغیه سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی، ترجمه زهره پوستین‌چی و ابراهیم متقی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۸)، تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران؛ مورد جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، س سیزدهم، ش ۳۷.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- اکوانی، حمدالله؛ موسوی، سیدولی (۱۳۹۲)، توسعه خودسازمان‌یابی؛ گذار از نظریات نوسازی و وابستگی به نظریات خودسازماندهی و آشوب، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ششم.
- الدیلمی، الحسن بن ابی الحسن (۱۳۸۴)، ارشاد القلوب، ج ۱، چاپخانه شریعت.
- امرائی، حسن (۱۳۸۸)، مهندسی سیاست، تهران: شوکا.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۹)، دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار.
- پوشا، جهانگیر (۱۳۸۳)، پیشرفتهای نظامی و اقتصادی چین؛ تهدید یا بازدارندگی، روزنامه جام‌جم.
- پیت، ریچارد؛ ویک، الین (۱۳۸۹)، نظریه‌های توسعه، ترجمه رضا صفری و مصطفی سیدازکیا، نشریه لویه، چ دوم.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۷۶)، رابطه منطقی دین و علوم کاربردی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ترجمه، عباس (۱۳۶۸)، تحولات سیاسی در جمهوری خلق چین، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی؛ وزیری هدایت.
- جعفری، جانباز (۱۳۹۳)، وجوه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و دیپلماسی نوین هسته‌ای، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، تهران: ش ۴.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۸)، نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حاجی یوسفی، امیر (۱۳۸۰)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای، تهران: مرکز چاپ و نشر، وزارت امور خارجه.
- حسینی، منیرالدین (۱۳۸۰)، یادى از استاد، دفتر فرهنگستان علوم اسلامی، قم: انتشارات فجر ولایت.
- خاتمی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، سیاست تنش‌زدایی هزینه اداره کشور را به حداقل می‌رساند، روزنامه اطلاعات.
- خاتمی، سیدمحمد (۱۳۹۳)، ما خواهان هویت دینی بر پایه پیشرفت و استقلال و آزادی هستیم، خبرگزاری ایسنا.

- دهقانی فیروزآبادی، محمدحسین (۱۳۹۲)، توازن و واقعیت، مهرنامه، س چهارم، ش ۳۲.
- دهقانی فیروزآبادی، محمدحسین (۱۳۹۳)، گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه معرفت سیاسی، ش ۹.
- دهقانی فیروزآبادی، محمدحسین و عطایی (۱۳۹۳)، گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم، فصلنامه مطالعات راهبردی، س هفدهم، ش ۱۲.
- رمضانی، روح‌الله (۱۳۹۵)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چ دوم.
- روحانی، حسن (۱۳۹۳)، با تقابل نمی‌شود در دنیا موفق بود، سایت اعتدال.
- روحانی، حسن (۱۳۹۴)، پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، مشروح سخنان گوناگون رئیس‌جمهور.
- ساعی، احمد (۱۳۸۸)، توسعه در مکاتب متعارض، تهران: نشر قومس، چ سوم.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۲)، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴)، جهانی شدن، حاکمیت ملی و جمهوری اسلامی، فصلنامه راهبرد، ش ۳۶.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۰)، مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران... فصلنامه روابط خارجی، س سوم، ش ۱.
- سیاست خارجی و گفتمان اعتدال دولت تدبیر و امید (۱۳۹۳)، سایت امید هسته‌ای، خبرگزاری دانشجو.
- شیرزادی، رضا (۱۳۹۱)، نوسازی، توسعه و جهانی شدن، تهران: انتشارات آگه.
- طاهرزاده، عنایت‌الله (۱۳۸۴)، مجموعه گزارش کشوری انرژی چین، تهران: مؤسسه بین‌المللی انرژی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، مجله اندیشه حوزه، ش ۵۷، دانشگاه علوم رضوی.
- عظیمی، حسین، پیشنهاد خطوط اساسی الگویی برای برنامه‌ریزی در ایران براساس اصول قانون اساسی ج.ا.ا. ایران امروز در آینه مباحث توسعه، نشر فرهنگ اسلامی.
- علی احمدی، علیرضا (۱۳۹۰)، پیش طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تهران: نشر تولید دانش.
- فریدون، جفری؛ دیوید، لیک (۱۳۸۱)، سیاست بین‌الملل و اقتصاد بین‌الملل، ترجمه داوود رضایی اسکندری، اقتصاد سیاسی، ش ۲.
- قوی، مهدی (۱۳۷۹)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.
- کاظمی، سید علی‌اصغر (۱۳۷۷)، بحران جامعه مدرن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام.

- کینلزبری، دامین و دیگران (۱۳۹۱)، مسائل اساسی توسعه، ترجمه رضا شیرزادی، کرج: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی کرج.
- گرجی، ابراهیم (۱۳۷۶)، ارزیابی مهمترین مکاتب اقتصاد کلان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- لارسون، توماس؛ دیوید، اسکیدمور (۱۳۷۶)، اقتصاد سیاسی بین‌المللی؛ تلاش برای کسب قدرت و ثروت، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، تهران: نشر قومس.
- محمدی، غلامحسین (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی لیبرالیسم و نئولیبرالیسم؛ مارکسیسم و نئومارکسیسم، فصلنامه راهبرد، س بیست‌وسوم، ش ۷۲.
- مرعشی، سید جعفر (۱۳۷۷)، توسعه اجتماعی (درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی)، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- موتقی، احمد (۱۳۸۳)، توسعه؛ سیر مفهومی و نظری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۳.
- موسوی ثمرین، سید سعید (۱۳۹۱)، سید سعید، درباره نئولیبرالیسم، تهران: کتاب ماه علوم اجتماعی.
- نجفی علمی، کاظم (۱۳۸۳)، تعیین چگونگی اجرای سیاستهای کلی براساس اصول و مبانی سیاستهای فرهنگی کشور، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی.
- ندایی، هاشم (۱۳۸۷)، توسعه اسلامی، مؤلفه‌ها و شاخصهای آن، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی.
- نیلی، مسعود (۱۳۸۴)، حسن درگاهی: مجله برنامه و بودجه، ش ۲۴: ۳۵.
- نیلی، مسعود (۱۳۸۷)، دولت و رشد اقتصادی در ایران، تهران: نشر نی.
- هینز، جفری (۱۳۹۰)، مطالعات توسعه، ترجمه رضا شیرزادی، تهران: انتشارات آگه.



A Comparative Study of the Principles of Economic Development of the 11th Government and Its relation with the Islamic-Iranian Model of Progress

Said Mohammadi *

Majid Bazrafkan **

Development literally refers to a gradual progress to become more advanced, more powerful, and even larger. Generally, development conveys a process containing reorganization, and a different inclination of the entire socio-economic system. In addition to improvement of production and income, development includes fundamental transformation in institutional, socio-administrative structures, public attitudes and views. The concept of development has undergone different historical changes in various societies; yet, the main practical theories concerning development emerged after World War II, and different countries selected many instructions as the developmental principles for their decision on developmental programs. Contemporary Iran has not been an exception in relation to theoretical and practical concepts of development. In different historical periods, such as before and after the revolution, it has been more or less influenced by the universal concept of development. After the revolution, different governments followed different approaches in the field of development according to their policies. Along with non-local development models, the last decade has witnessed indigenous developmental models, such as Islamic-Iranian model of progress and resistive economy, as alternatives of development methods, which, if theorized, can be of great help to solve lots of problems in this field. This study is aimed at assessing the theoretical foundations of the Eleventh Government and its policies on various issues, and find out the relationship between these policies and bases with local development models based on various indicators. This is a descriptive-analytical research which employs documentary and library methods for data collection. The results indicated that the development discourse of the 11th Iranian government can be ranked from none to close and medium in relation to the Islamic-Iranian model.

Keywords: *the eleventh government, foundations of development, Islamic-Iranian model of progress, resistive economy, extroverted economy.*

* Corresponding author: PhD candidate in political science, University of Tehran

sa.mohammadi@ut.ac.ir

** Faculty member at Imam Hussein Comprehensive University

yahagh81@gmail.com